

مقاله‌ی کوتاه

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز
سال یازدهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۹۸، پیاپی ۴۲، صص ۲۳۱-۲۴۲

نه به اشتر بر سوارم (درباره‌ی وزن شعری در گلستان سعدی)

آریا طیب‌زاده*

دانشگاه تهران

چکیده

در یکی از حکایت‌های گلستان سعدی (۱۳۹۲: ۹۲)، دو بیت وجود دارد که از نظر عروضی مبهم است و نظرهای متعددی درباره‌ی آن مطرح شده است: نه به اشتر بر سوارم نه چو اشتر زیر بارم نه خداوند رعیت نه غلام شهریارم غم موجود و پریشانی معدوم ندارم نفسی می‌زنم آسوده و عمری می‌گذارم وزن مصراع‌های این دو بیت شبیه نیست. این امر سبب شده است تا دو بیت بالا از حیث وزن، وضعیت بسیار پیچیده‌ای به خود بگیرند و همواره محل بحث و اختلاف نظر باشند. به نظر نگارنده، سعدی دو بیت گفته‌شده را براساس قواعد عروض عرب سروده است و غفلت از همین نکته، باعث بروز اختلاف نظر در بین پژوهشگران درباره‌ی وزن دو بیت شده است. در این مقاله ابتدا ضبط‌های مختلف، سپس آرای شارحان را درباره‌ی این دو بیت معرفی و نقد می‌کنیم، سپس نظر خود را دال بر اینکه دو بیت فوق براساس عروض عرب سروده شده، شرح می‌دهیم. همچنین صورت پیشنهادی خود را که در آن چینش مصراع‌ها مطابق با عروض عرب است، ارائه می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: سعدی، عروض عربی، عروض فارسی، گلستان.

۱. مقدمه

در باب دوم گلستان سعدی، دو بیت وجود دارد که از نظر عروضی مبهم است و نظرهای متعددی درباره‌ی آن مطرح شده است. ضبط این دو بیت طبق تصحیح غلامحسین یوسفی^۱ (سعدی، ۱۳۹۲: ۹۲) چنین است:

* دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی ary.tabibzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۹/۲۷

۱. نه به اشتر بر سوارم نه چو اشتر زیر بارم
۲. نه خداوند رعیت نه غلام شهریارم
۳. غم موجود و پریشانی معدوم ندارم
۴. نفسی می‌زنم آسوده و عمری می‌گذارم

فرضیه‌ی ما این است که سعدی دو بیت گفته‌شده را براساس قواعد عروض عرب سروده است. بی‌توجهی به این نکته، سبب بروز اختلاف نظر در بین پژوهشگران درباره‌ی وزن دو بیت شده است. برای اثبات این فرضیه، ابتدا ضبط‌های مختلف، سپس آرای شارحان را درباره‌ی این دو بیت معرفی و نقد می‌کنیم، سپس دلایل خود را برای اثبات اینکه این دو بیت در قواعد عروض عرب سروده شده است، ارائه می‌کنیم. همچنین صورت پیشنهادی خود را که در آن، چینش مصراع‌ها مطابق با عروض عرب است، نمایش می‌دهیم.

۲. بیان مسئله

مسئله این است که در تمام ۱۲ نسخه‌ای که در این پژوهش بررسی کرده‌ایم، مصراع‌های شماره‌ی ۲ و ۳ ضبط یکسانی دارد و تفاوت ضبط در آن‌ها به مصراع‌های ۱ و ۴ مربوط می‌شود و مصراع‌های ۲ و ۳ نیز هریک دارای وزنی متفاوت است. این همه سبب شده است که دو بیت فوق از حیث وزن، وضعیت پیچیده‌ای به خود بگیرند و همواره محل بحث و اختلاف نظر باشند. حتی در کتاب *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی* (نجفی، ۱۳۹۷) که مشتمل بر قریب به اتفاق وزن‌های نادر شعر فارسی است، ذکری از این دو بیت و وزن آن‌ها نشده است؛ نجفی تنها در کتاب *وزن شعر فارسی (درس‌نامه)*، به اختصار، این شعر را نمونه‌ای از درهم‌آمیختن سه وزن مختلف دانسته است. (رک. نجفی، ۱۳۹۵: ۱۷۹-۱۸۰) دیگر ویژگی جالب این دو بیت این است که به‌رغم عدول از قواعد وزن شعر فارسی، همواره به گوش فارسی‌زبانان خوش‌آهنگ آمده است. فرضیه‌ی نگارنده این است که سعدی دو بیت گفته‌شده را آگاهانه براساس قواعد عروض عرب سروده است.

در این مقاله ابتدا ۱۲ ضبط مختلف، سپس آرای چهار شارح: سودی (۱۲۴۹)، خزائلی (۱۳۴۴)، خطیب‌رهبر (۱۳۵۰) و یوسفی (۱۳۹۲) را درباره‌ی این دو بیت معرفی و نقد کرده سپس نظر خود را شرح داده‌ایم. همان‌طور که اشاره شد دو مصراع ۱ و ۴ از حیث وزن دارای ضبط‌های مختلفی هستند که آن‌ها را نمایش می‌دهیم؛ توجه شود که

نه به اشتر بر سوارم (درباره‌ی وزن شعری در گلستان سعدی) _____ ۲۳۳

در این مقاله فقط به اختلاف‌های وزنی در ضبط‌ها توجه داشته‌ایم و از پرداختن به تفاوت‌های نامربوط به وزن خودداری کرده‌ایم. در بررسی و تقطیع وزن ضبط‌ها از ضرورت تبدیل کمیت کوتاه پایان واژه به بلند استفاده نکرده‌ایم؛ اما برای هر مصراع در یادداشت‌های پایان مقاله، احتمال خوانش‌های متفاوت با استفاده از ضرورت مذکور و بالطبع تقطیع‌های متفاوت را در نظر گرفته‌ایم. همچنین اگر ضبطی بدون استفاده از ضرورت، دارای وزنی مطبوع (مثلاً فعلاتُ فاعلاتنُ فعلاتُ فاعلاتن) بود، دیگر به بررسی خوانش‌های ممکن با استفاده از ضرورت پرداخته‌ایم.

نه به اشتر بر سوارم نه چو اشتر زیر بارم: انوری (سعدی، ۱۳۹۵: الف: ۴۷)؛ اوغلی علی‌یف (سعدی، ۱۹۵۹: ۱۴۴)؛ فروغی (سعدی، ۱۳۱۶: ۶۳)؛ مشکور (سعدی، ۱۳۴۲: ۶۷)؛ نفیسی (سعدی، ۱۳۴۱: ۶۲)؛ یوسفی (سعدی، ۱۳۹۲: ۹۲)
 نه بر اشتری سوارم نه چو خر به زیر بارم: (خزائلی، ۱۳۴۴: ۳۲۲)؛ مصفا (سعدی، ۱۳۹۵: ب: ۱۴۹)

نه به اشتری سوارم نه چو اشتر زیر بارم: (دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل «شهریار»)
 نه بر اشتر بسوارم نه چو اشتر زیر بارم: (سودی، ۱۲۴۹: ۲۱۸)
 نه به اشتر بر سوارم نه چو اشتر زیر بارم: قریب (سعدی، ۱۳۱۰: ۷۰)؛ خرمشاهی (سعدی، ۱۳۹۳: ۸۱)

نفسی می‌زنم آسوده و عمری می‌گذارم:

انوری (سعدی، ۱۳۹۵: ۴۷)؛ اوغلی علی‌یف (سعدی، ۱۹۵۹: ۱۴۴)؛ خرمشاهی (سعدی، ۱۳۹۳: ۸۱)؛ فروغی (سعدی، ۱۳۱۶: ۶۴)؛ قریب (سعدی، ۱۳۱۰: ۷۰)؛ مشکور (سعدی، ۱۳۴۲: ۶۷)؛ نفیسی (سعدی، ۱۳۴۱: ۶۳)؛ یوسفی (سعدی، ۱۳۹۲: ۹۲)
 نفسی می‌زنم آسوده و عمری به سر آرم:

(خزائلی، ۱۳۴۴: ۳۲۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل «پیشانی»؛ سودی، ۱۲۴۹: ۲۱۸)

نفسی می‌زنم آسوده و عمری بگذارم: مصفا (سعدی، ۱۳۹۵: ب: ۱۴۹)

وزن مصراع اول	منبع
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ^۳	انوری، اوغلی علی‌یف، خرمشاهی، فروغی، قریب، مشکور، نفیسی، یوسفی

فعالان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	خزائلی، مصفا
فعالان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	دهخدا
فعالان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ^۴	سودی

وزن مصرع چهارم	منبع
فعالان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	انوری، اوغلی علی‌یف، خرمشاهی، فروغی، قریب نفیسی، مشکور، یوسفی
فعالان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	دهخدا، خزائلی، سودی، مصفا

در تمام ضبط‌های فوق، شاهد کنار هم قرارگرفتن مصرع‌های نامشابه از حیث وزن هستیم؛ درحالی‌که در قریب‌به‌اتفاق اشعار فارسی، برخی مصححان و شارحان برای توجیه این عدم‌تشابه در وزن، نظریاتی داده‌اند که چندان قانع‌کننده نیست. در اینجا به بررسی این نظرها می‌پردازیم.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

سودی (۱۲۴۹؛ ۱۳۴۹): سودی تأکید می‌کند که وزن بیت اول از اقسام رمل مخبون است و وزن آن صحیح است. اما در تقطیع او به دو مورد ناصحیح می‌توان اشاره کرد: او «زیر بارم» و «شهریارم» را «فعالان» تقطیع کرده است؛ درحالی‌که باید «فاعلاتن» تقطیع کند. سودی در ادامه گفته است که الفاظی که در قافیه‌ی بیت اول واقع است، یعنی «زیر بارم» و «شهریارم»، سالم تقطیع می‌شود، اما بقیه عموماً مخبون است (رک. سودی: ۱۲۴۹، ۲۱۹؛ سودی ۱۳۴۹: ۴۰۹ و ۴۱۰)؛ باین حال بر نگارنده معلوم نیست که چرا به‌رغم این آگاهی، در عمل آن‌ها را به شکل «فعالان» تقطیع کرده است. همان‌طور که گفته شد، سودی در «غلام» (در مصرع دوم) از ضرورت تبدیل کمیت کوتاه پایان واژه به بلند بهره برده است، اما او نتوانسته توجیه کند که چرا جزء پایانی مصرع اول و دوم (یعنی همان «زیر بارم» و «شهریارم») فاعلاتن است؛ علاوه‌براین، ضبط «بسوارم» در هیچ‌یک از شرح‌ها و تصحیح‌های بررسی‌شده در این مقاله دیده نشده است و حتی احتمال دارد که تحریفی باشد که سودی برای مطبوع‌تر شدن وزن انجام داده است. در شرح‌های شارحان ترک‌زبان دیگر بر گلستان که سودی نظریات

بعضی از آن‌ها را نقد کرده است، ضبط «بسوارم» دیده نشده است؛ برای مثال در نسخه‌ای خطی از شرح یعقوب بن سیدعلی، این دو بیت زیر عنوان «بیت» بدون جداکردن مصراع‌ها بدین‌گونه ضبط شده است: «نه باشتری سوارم نه چو خر زبر بارم نه خداوندی صاحب^۵ رعیت نه غلام شهریارم غم موجود و پریشانی معدوم ندارم نفسی می‌زنم آسوده بعمری بسر آرم.» (یعقوب بن سیدعلی: ۹۰۷، ۴۵) یا در نسخه‌ای خطی از شرح شمعی، شارح، این دو بیت را با عنوان رباعی ضبط کرده و در مقابل هر مصراع ترجمه‌ی آن را به ترکی نوشته است. ضبط او بدین صورت است: «نه بر اشتری سوارم نه چو اشتر زیر بارم... نه خداوند رعیت نه غلام شهریارم... غم موجود و پریشانی معدوم ندارم... نفسی می‌زنم آسوده و عمری بسر آرم.» (شمعی، ۱۰۲۰: ۷۶) نکته‌ی شایان توجه در شرح سودی، نقد او به نظرهای دیگر شارحان ترک است. البته سودی به تفاوت ضبط در شرح‌های دیگر اشاره‌ای نمی‌کند. سودی در رد نظر شارحی به نام کافی^۶ می‌گوید: «کسی که به بحور آشنایی ندارد، بیت اول را دو بیت ظن کرده و گفته است: «مخفی نماند که در مصراع ثالث سکت‌های به‌نظر می‌رسد که در اشعار قدما از این سکت‌ها زیاد است و اگر بدون سکت بخوانیم، «نه خداون رعیت» خوانده می‌شود...» کسی که این مصراع را (نفسی می‌زنم آسوده و عمری به سر آرم) بیت تمام ظن کرده و بعد از استیفاء شرح آن چنین گفته «مخفی نماند اگرچه قافیه‌ی این بیت [نفسی می‌زنم...] با نظم سابق [نه به اشتری...] موافق است اما به خودش متحد نیست» معلوم است این شخص به وزن و بحور آشنایی نداشته است.» (سودی، ۱۲۴۹: ۲۱۹؛ سودی، ۱۳۴۹: ۲۱۰) سودی در نهایت در نقد نظر همه‌ی شارحان چنین گفته است: «حاصل اینکه جمیع شراح ترکیب این دو بیت را ناموزون نوشته و عموماً غلط معنی کرده‌اند، تأمل تدبیر (رد شراح جمیعاً) و بعضی نتوانسته این نظم را از رباعی تشخیص بدهد، و به جای «نظم» رباعی نوشته است» (همان). نظر کافی مبنی بر یک بیت کامل بودن هر مصراع این دو بیت، بسیار مهم است که در ادامه توضیحی در این مورد خواهیم داد. اگر منظور کافی از «متحدنبودن بیت دوم به خود» این است که بخشی از کلمه‌ی «پریشانی» و نیز کلمه‌ی «آسوده» در مصراع اول و بخشی در مصراع دوم می‌افتد (...پریشانی... و ...آسوده...)، می‌توان نتیجه گرفت که کافی هم از منظر عروض فارسی به این نظم نگاه کرده است؛ زیرا در شعر عرب طبق قاعده‌ای به نام تدویر یا

ادماج می‌توان بخشی از کلمه را در عروض و بخش دیگر آن را در ابتدای بیت آورد؛ مثل بیت زیر از متنبی:

رَأْمِيَاتٍ بِأَسْنَمِهِمْ رِيشُهُ الْهُدَىٰ بٌ تَشَقُّ الْقُلُوبَ قَبْلَ الْجُلُودِ (العكبري: ۱۹۲۶، ۳۱۴)

که جزئی از کلمه‌ی «الهدب» (به معنی ابرو) در مصراع اول و جزئی در مصراع دوم آمده است. (برای بررسی قاعده‌ی تدویر رک الهاشمی، ۲۰۰۶: ۳۵)

خزائلی (۱۳۴۴): خزائلی در توضیح بیت اول (براساس ضبط خودش: «نه بر اشتری سوارم نه چو خر به زیر بارم...») وزن آن را «رمل مثنی‌مخبون مقصور یا محذوف... بر وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان یا فعلن» (خزائلی، ۱۳۴۴: ۸۷ و ۳۶۷) گزارش می‌کند؛ بدیهی است که رکن اول این وزن در اصل «فاعلاتن» بوده و تبدیل آن به «فاعلاتن» بر حسب اختیار شاعری است. او در توضیح بیت دوم چنین گفته است: «در بعضی نسخه‌ها چنین ضبط شده است: نه به اشتر بر، سوارم نه چو اشتر زیر بارم و در مصراع آخر به جای «به سر آرم»، «می‌گذارم» ضبط شده است. بیت دوم سنگین‌تر از بیت اول است و این‌قدر مسامحه در وزن عروضی گاهی روا است؛ بدیهی است که نظر خزائلی مبنی بر جواز تسامح در وزن، درست نیست.

خطیب‌رهبر (۱۳۵۰): خطیب‌رهبر ضبط فروغی را صحیح‌تر از ضبط‌های دیگر دانسته و گفته است که تقطیع عروضی این ضبط صحت آن را تأیید می‌کند. سپس هر مصراع را به صورت زیر تقطیع کرده است:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

(خطیب‌رهبر، ۱۳۵۰: ۱۵۶)

یعنی در مصراع دوم برای «غلام» از ضرورت تبدیل کمیت کوتاه به بلند در پایان واژه استفاده کرده است. چنانکه می‌بینیم وزن مصراع اول و سوم با هم و نیز با وزن دو مصراع دیگر فرق دارد و چنین امری در عروض فارسی مطلقاً روا نیست.

یوسفی (۱۳۹۲): یوسفی مصراع اول و دوم را «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» تقطیع کرده است؛ یعنی هم برای «خداوند» و هم برای «غلام» از ضرورت تبدیل کمیت کوتاه به بلند در پایان واژه استفاده کرده است. او درباره‌ی مشابهت‌نداشتن مصراع سوم با مصراع‌های دیگر سخنی نگفته و صرفاً به توضیحات خطیب‌رهبر ارجاع داده است. (یوسفی، ۱۳۹۲: ۶۰۶)

۴. تقطیع و ضبط پیشنهادی نگارنده

این دو بیت براساس نظام عروض عرب سروده شده و باید مطابق با اصول عروض عرب آن را چهار بیت دانست و نه دو بیت. هیچ توجیهی از منظر عروض فارسی نمی‌تواند ابهام‌های وزنی آن را رفع کند. نظم بالا در بحر رمل مجزوءالعروض مجزوءالضرب سروده شده است؛ یعنی هر مصراع آن مشتمل بر دو جزء (رکن) فاعلاتن است. مشابه‌نبودن وزن مصراع‌ها با هم نیز به دلیل استفاده از زحافات رایج در بحر رمل عروض عرب است که همانند اختیارات شاعری، شاعر در به‌کاربردن یا نبردن آن‌ها مختار است. جوازهای وزنی (زحافات) رایج در بحر رمل عبارتند از: خبن، کف، شکل. (رک.العروضی، ۱۹۹۶: ۱۳۷-۱۳۹)

در عروض عرب بیت تام^۸ بحر رمل، مسدس یا ۶ جزئی است و چینش ابیات به صورت مثنی غلط است؛ زیرا تعداد اجزاء بیت باید حداکثر به اندازه‌ی بیت تام باشد. (رک. الزمخشری، ۱۹۸۹: ۶۷؛ قهرمانی‌مقبل، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵) در این حالت، در بیت سوم و چهارم از قاعده‌ی تدویر یا ادماج که ذکر آن گذشت و در شعر عرب نیز بسیار رایج است، استفاده شده است. حال ما بدون استفاده از ضرورت تبدیل کمیت کوتاه پایان واژه به کمیت بلند، بیت را به شکل زیر تقطیع می‌کنیم و زحافات استفاده‌شده در آن را نمایش می‌دهیم. بدیهی است که اگر از ضرورت مذکور استفاده شود، باز وزن بیت طبق عروض عرب درست است؛ زیرا استفاده از این ضرورت، رکنی را که «فاعلاتن» نیست، به «فاعلاتن» بدل می‌کند و در این صورت رکن، غیرمזاحف خواهد بود؛ همچنین اگر در مصراع «نه غلام شهریارم» در «نه» از ضرورت استفاده کنیم و غلام را بدون ضرورت بخوانیم، تقطیع چنین خواهد بود: «فاعلاتن فاعلاتن» که باز هم به دلیل رواج زحاف کف در این بحر (تبدیل فاعلاتن به فاعلاتن^۹)، فرضیه همچنان درست خواهد بود. در اینجا زیر واژه‌ها یا حروفی که امکان استفاده از ضرورت در آن‌ها وجود دارد و

همچنین رکن‌های عروضی نظیر آن‌ها خط کشیده‌ایم:

نه به اشتر (استر)	بر سوارم	نه چو اشتر (استر)	زیر بارم
فاعلاتن (مخبون)	فاعلاتن	فاعلاتن (مخبون)	فاعلاتن
نه خداون	د رعیت	نه غلام	شهریارم
فاعلاتن (مخبون)	فاعلاتن (مخبون)	فاعلاتن (مشکول) ^۹	فاعلاتن
غم موجو	د و پریشا	نی معدو	م ندارم

فعلاتن (مخبون)	فعلاتن (مخبون)	فعلاتن (مخبون)	فعلاتن (مخبون)
نفسی می	زنم آسو	ده و عمری	می گذارم
فعلاتن (مخبون)	فعلاتن (مخبون)	فعلاتن (مخبون)	فاعلاتن

چند قرینه مؤید آن است که این شعر در نظام عروض عرب قرار دارد: ۱. همان‌گونه که کافی گفته است، موافق‌بودن قافیه‌ی مصراع اول و مصراع‌های زوج (سودی، ۱۳۴۹: ۴۰۹ و ۴۱۰)؛ ۲. درست‌بودن وزن بیت با توجه به زحافات بحر رمل در عروض عرب؛ ۳. مدوّالربودن بیت سوم و چهارم: توضیح آنکه در اشعار عربی به وزن رمل مجزوء، تدویر در ابیات بسیار رایج است (احتمالاً به دلیل کوتاه‌بودن مصراع در این بحر)؛ ۴. تعداد زیاد ابیاتی که سعدی در قصاید عربی خود به این وزن سروده است و ما مطلع آن قصیده‌های را در زیر می‌آوریم:

أنا دلال ابنه الكرم	م لأبناء الكرام	(سعدی، ۱۳۹۰: ۸۴)
یا ندیمی قم تنبه	و اسقنی و اسق الندامی	(همان: ۸۸)
تبتغی أرض بأرض	و بدیل عن بدیل	(همان: ۹۶)

۵. نتیجه‌گیری

گرچه در شعر فارسی استفاده از جوازهای وزنی (زحافات) شعر عرب معمول نیست و بیشتر وزن‌های مطبوع شعر عرب به گوش فارسی‌زبانان نامطبوع است،^۱ سعدی با تسلط شگرف خود هم بر شعر عرب و هم بر زبان فارسی توانسته است، شعری فارسی در نظام عروض عرب بسراید که به‌طرز حیرت‌آوری مطبوع و دلنشین است. در اینجا ضبط پیشنهادیمان را برای این دو بیت ارائه می‌دهیم:

نه به اشتر بر سوارم / نه چو اشتر زیر بارم
 نه خداوند رعیت / نه غلام شهریارم
 غم موجود و پریشا / نی معدوم ندارم
 نفسی میزنم آسو / ده و عمری می‌گذارم

در پایان ذکر این نکته لازم است که سعدی با تسلطی که بر زبان و شعر فارسی و عربی دارد، توانسته است از عناصری مربوط به شعر عربی در اشعار فارسی خود استفاده کند؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. وفور مصراع موقوف‌المعانی در بیت‌ها که بسامد آن در اشعار سعدی نسبت به شاعران دیگر شایان توجه است و به‌نظر می‌رسد که متأثر از شعر عربی باشد.
۲. استفاده‌ی او از وزنی برگرفته از بحر بسیط عروض عرب (مستفعلن فعلمن مستفعلن فعلمن) در یک غزل به مطلع:

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری تو خود چه آدمی کز عشق بی‌خبری
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

- اقبال عموم خوانندگان شعر به این غزل، جالب توجه است. این وزن، قبل از سعدی، هرچند بسیار اندک، استفاده شده است؛ مثلاً قصیده‌ی کوتاهی از خاقانی^{۱۱} (خاقانی، ۱۳۹۱: ۹۱۰) به مطلع:

دیر است تا ز جهان یاری همی طلبم برتر ز طالع خود کاری همی طلبم
۳. سرودن بیتی ملمع به بحر طویل عربی در گلستان:

- سری طیف من یجلو بطلعته الدجی شگفت آمد از بختم که این دولت از کجا
(سعدی، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

۴. درنهایت دو بیت مورد بحث در این مقاله که به‌طور کامل براساس قواعد عروض عرب سروده شده است.

یادداشت‌ها

۱. در متن مقاله برای ارجاع به تصحیح‌های مختلف گلستان، به مصحح متن هم ارجاع داده‌ایم؛ اما در فهرست منابع، همه تصحیح‌ها را ذیل نام سعدی آورده‌ایم.
۲. برخی شارحان در «خداوند» یا «غلام» یا هر دو، از ضرورت وزنی تبدیل کمیت کوتاه پایان واژه به کمیت بلند استفاده کرده و وزن مصراع را به شکل «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» یا «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» تقطیع کرده‌اند. (برای توضیح درباره‌ی این ضرورت رک. نجفی، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲) با توجه به جواز استفاده از این ضرورت، می‌توان خوانش‌های مختلفی از مصراع داشت. امکان استفاده از این ضرورت در این مصراع در دو کلمه‌ی «نه» در ابتدا و میانه‌ی مصراع، «خداوند» و «غلام» وجود دارد و می‌توان شعر را با خوانش‌های متفاوتی خواند که تقطیع بعضی از آن‌ها چنین است: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (در صورت استفاده از ضرورت در هر چهار محل ممکن)، فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (در صورت استفاده از ضرورت در «خداوند» و «غلام») و فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (استفاده از ضرورت در «نه» اول مصراع و «خداوند»). باید توجه داشت که لزوماً

۲۴۰ ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)

- هیچ‌کدام از خوانش‌های ممکن با استفاده از ضرورت مذکور بر خوانش‌های دیگر ارجح نیست (زیرا در هیچ‌یک از حالت‌های ممکن عدم‌تشابه مصراع‌ها حل نمی‌شود)؛ بنابراین ما در متن اصلی مقاله، همواره صورتی که بدون ضرورت است، معیار در نظر گرفته‌ایم.
۳. در کلمه‌ی «نه» در ابتدا و میانه‌ی مصراع می‌توان از ضرورت مذکور استفاده کرد و در این صورت هریک از رکن‌های «فعلاتن» می‌تواند به فاعلاتن بدل شود.
۴. برای واژه‌ی «نه» در اول و میانه‌ی مصراع می‌تواند از ضرورت مذکور استفاده کرد و در این صورت هریک از رکن‌های «فعلاتن» می‌تواند به «فاعلاتن» بدل شود.
۵. در این شرح، معنی و توضیح بعضی کلمات یا جملات به عربی در مقابل آن نوشته شده است و در اینجا «صاحب» معادل عربی «خداوند» است و نه جزئی از بیت.
۶. در ترجمه‌ی شرح سودی به فارسی در این قسمت به اشتباه نام کافی، شمعی ذکر شده است. (رک. سودی، ۱۲۴۹: ۲۱۹)
۷. نگارنده برای بررسی این شرح جستجوی بسیار انجام داد، اما به نتیجه‌ای نرسید. ظاهراً این شرح اصلاً وجود خارجی ندارد. (رک. مرادی و یلماز، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۶۸)
۸. بیت تام رمل صورتی است که دایره‌ی سوم (دایره‌المجتلب) استخراج می‌شود که در هر مصراع ۳ جزء فاعلاتن وجود دارد.
۹. «شکل» از زحافات بسیار کم کاربرد بحر رمل است (رک. قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ بنابراین شاید بهتر باشد در تقطیع برای «غلام» از ضرورت بلندکردن کمیت کوتاه پایان واژه استفاده کنیم تا به جای «فعلاتن»، «فعلاتن» (مخبون) داشته باشیم. همچنین شاید براساس این بتوان احتمال داد که ضبط دهخدا، خزایی و مصفا از مصراع اول که به صورت فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن تقطیع می‌شود (رک. به جدول بررسی ضبط‌ها در ابتدای مقاله)، تحریفی باشد برای مطبوع‌شدن وزن؛ البته تنها دلایل نسخه‌شناختی می‌تواند درستی یا نادرستی این مسئله را مشخص کند.
۱۰. از شواهد استفاده از قواعد وزنی عربی که در شعر فارسی وجود ندارد (مثل به‌کاربردن جوازهای وزنی عربی)، می‌توان به چند بیت ملمع، مثلاً سعدی، ۱۳۹۲: ۱۳۶؛ منوچهری، ۱۳۹۰: ۵ و ۱۴۰ اشاره کرد.
۱۱. این قصیده‌ی کوتاه در دیوان مصحح ضیاءالدین سجادی، در شمار قطعات آمده است.

منابع

- خاقانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۹۱). *دیوان خاقانی شروانی*. به‌کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.
- خزایی، محمد. (۱۳۴۴). *شرح گلستان*. محمد خزایی، تهران: احمد علمی.

- نه به اشتر بر سوارم (درباره‌ی وزن شعری در گلستان سعدی) _____ ۲۴۱
- خطیب‌رهبر، خلیل. (۱۳۵۰). «توضیح چند مشکل و معنی و صورت صحیح گلستان». مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی (مشمول بر ۲۶ مقاله)، به کوشش منصور رستگار، شورای انتشارات دانشگاه پهلوی، صص ۱۲۰-۱۵۸.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه‌ی دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۱۹۸۹م). القسطاس فی علم العروض. تحقیق فخرالدین قباوه، بیروت: مکتبه المعارف.
- سعدی، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۱۰). گلستان. به تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب گرکانی، تهران: کتابفروشی و چاپخانه‌ی علمی.
- _____ (۱۳۲۰). کلیات سعدی. از روی قدیم‌ترین نسخه‌های موجود در دنیا. به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: چاپخانه و کتابفروشی بروخیم.
- _____ (۱۹۵۹م). گلستان سعدی. تصحیح متن علمی و انتقادی، ترجمه‌ی روسی، مقدمه، تعلیقات و حواشی به قلم رستم موسی اوغلی علی‌یف، مسکو: فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.
- _____ (۱۳۴۱). گلستان. با تصحیح و مقابله‌ی معتبرترین نسخه‌های خطی و چاپی، به کوشش سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- _____ (۱۳۴۲). گلستان با مقابله‌ی متن گلستان فروغی و قریب و طبع روسیه به انضمام تعلیقات و حواشی و شرح لغات، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکا.
- _____ (۱۳۸۵). غزل‌های سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۰). اشعار عربی سعدی. ترجمه‌ی موسی اسوار، شیراز: مرکز سعدی‌شناسی با همکاری مؤسسه‌ی فرهنگی پژوهشی دانشنامه‌ی فارس.
- _____ (۱۳۹۲). گلستان سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۹۳). گلستان سعدی. براساس تصحیح و طبع شادروان محمدعلی فروغی و مقابله با دو نسخه‌ی معتبر دیگر، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، تهران: دوستان.
- _____ (۱۳۹۵ الف). کلیات سعدی. تدقیق در متن و مقدمه از حسن انوری، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۹۵ ب). متن کامل کلیات سعدی. به کوشش: مظاهر مصفا با همکاری اکرم سلطانی، تهران: روزنه.
- سودی، احمد (محمد؟). (۱۲۴۹ق). شرح سودی بر گلستان سعدی. اسلامبول: دارالطباعة.
- سودی، احمد (محمد؟). (۱۳۴۹). شرح سودی بر گلستان سعدی. ترجمه: حیدر خوش‌طینت، زین‌العابدین چاوشی، علی‌اکبر کاظمی، تهران/تبریز: کتابفروشی تهران.

۲۴۲ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)

شععی، مصطفی. (۱۰۲۰ ق.). شرح گلستان سعدی مصطفی شععی برزینی (۱۰۰۰ ق.). (نسخه‌ی خطی)، تاریخ کتابت: ۱۰۲۰ ق، شماره‌ی بازبایی: ۷۹۴۷، شماره‌ی مدرک کتابخانه‌ی مجلس: IR5878، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

العروضی، ابوالحسن احمدبن محمد. (۱۹۹۶ م.). *الجامع فی العروض و القوافی؛ أوسع کتاب فی علم العروض و القافیه بنشر لأول مره علی مخطوطه فريده، صنفه أبو الحسن أحمد بن محمد العروضی (المتوفی سنه ۳۴۲ هـ)*، حقه و قدم له زهير غازی زاهد و هلال ناجی، بیروت: دارالجيل.

العکبری، ابوالبقاء. (۱۹۲۶ م) *ديوان أبي الطيب المتنبي بشرح أبي البقاء العكبري المسمى بالتبيان في شرح الديوان، الجزء الأول، ضبطه و حقه و وضع فهرسه مصطفى السقا (المدرس بکلیه الآداب بالجامعه المصريه)، إبراهيم الإياري (المحرر بالقسم الأدبي بدار الكتب المصريه)، عبدالحفيظ شلبي (المحرر بالقسم الأدبي بالجامعه المصريه)*، مصر: مکتبه المصطفی البابی الحلبی و اولاده بمصر.

قهرمانی مقبل، علی اصغر. (۱۳۹۰). *عروض و قافیه‌ی عربی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی و دانشگاه خلیج فارس بوشهر.

مرادی، ابوالفضل و یلماز، قدریه. (۱۳۹۱). «تأثیر سعدی شیرازی بر ادبیات تعلیمی ترکیه». *فصلنامه میراث شهاب*، سال ۱۸، شماره‌ی ۲-۳ (پیاپی ۶۹)، صص ۱۳۵-۱۶۸.

منوچهری، احمد بن قوص. (۱۳۹۰). *ديوان منوچهری دامغانی*. با حواشی و تعلیقات و تراجم احوال و مقدمه و فهرس و لغتنامه مقابله با بیست و چهار نسخه خطی و... به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.

نجفی، ابوالحسن. (۱۳۹۴). *اختیارات شاعری و مقاله‌های دیگر در عروض فارسی*. تهران: نیلوفر.

_____ (۱۳۹۵). *وزن شعر فارسی (درس‌نامه)*. به همت امید طیب‌زاده، تهران: نیلوفر.

_____ (۱۳۹۷). *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*. به همت امید طیب‌زاده، تهران: نیلوفر.

الهاشمی، السید أحمد. (۲۰۰۶ م.). *میزان الذهب فی صناعه شعر العرب، التحقیق: علاء‌الدین عطیه*، بیروت: مکتبه دار البیروتی.

یعقوب‌بن سیدعلی. (۹۰۷ ق.). *ترجمه و شرح گلستان*. (نسخه‌ی خطی)، کاتب: یعقوب‌بن سیدعلی، تاریخ کتابت: ۹۰۷ ق، شماره‌ی بازبایی: ۴۸۲، شماره‌ی مدرک کتابخانه‌ی مجلس:

IR6652، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

Gladwin, Francis. (1865) *The Gulistan or rose garden*, translated from the original by Francis Gladwin with an essay on Saadi's life and genius by James Ross and a preface by R.W. Emerson, Boston: Ticknor and fields.